

زید بن علی (ع) (شهید حریت و ظلم‌ستیزی)

جواد محدثی

نقش «اسوه‌ها» را در هدایت انسان به سوی اهداف عالی نمی‌توان انکار کرد.

تاریخ غنی و افتخار آفرین اسلام، آکنده از انسان‌های والایی است که سرمشق ایمان و ایثار و جهاد و شهادت‌اند. نسل معاصر نیز، در پی الگو و قهرمان و اسوه‌گیری از چهره‌های اثرگذار و ماندگار است. «زید بن علی»، شهیدی بزرگوار از نسل امامان پاک، اسوه‌ای است که در خور شناخت و سرمشق‌گیری است. در این شماره، با چهره تابنده این قهرمان عرصه ایمان و صداقت و رشادت، آشنا می‌شویم.

تبار نورانی

در سال ۷۸ هجری، در خانه امام زین العابدین (ع) در مدینه منوره به دنیا آمد. مادرش کنیزی به نام «حوریه» یا «حوراء» بود که مختار ثقفی او را خرید و به امام سجاد (ع) هدیه داد. حوراء این افتخار را یافت که همسر پیشوایی چون حضرت سجاد (ع) باشد و از او صاحب چهار فرزند شود که «زید»، یکی از آنان است.

در چنین خاندانی بزرگ شد و در اوصاف شایسته و کمالات اخلاقی به مرتبه‌ای والا رسید، به نحوی که سیره‌نویسان و مورخان، او را انسانی دانا، پارسا، با فضیلت، شجاع، خطیب و زبان‌آور، غیرتمند و ظلم‌ستیز، اهل عبادت و تهجد و همدم با قرآن و پی‌گیر در امر به معروف و نهی از منکر و... به شمار آورده‌اند.^۱

در بخش‌های بعدی، با گوشه‌هایی از روح سلحشوری، غیرت دینی و تعهد مکتبی او آشنا خواهیم شد.

زید بن علی، حدود پانزده سال از عمر خود را در کنار پدر بزرگوارش زیست. پس از شهادت امام سجاد (ع) در سال ۹۵ هجری، تحت تکفل و سرپرستی برادر بزرگ‌تر خود یعنی امام باقر (ع) قرار گرفت و از عنایت خاص او و از سرچشمه جوشان علوم آن حضرت برخوردار شد. از این‌رو می‌توان او را تربیت شده امام باقر (ع) به شمار آورد.^۲

حدود نوزده سال بهره‌وری از محضر امام باقر (ع)، از او چهره‌ای ساخت که در علم و ادب و اخلاق و عبادت، می‌درخشید و فضایلش آشکار بود و در آن عصر که سرشار از امواج متلاطم سیاسی بود، شخصیتی مورد توجه بود و همواره از شکوه و شرافت «آل محمد» دفاع می‌کرد. روزی هشام بن عبدالملک پیش خلیفه اموی، بود. هشام از آل امیه بسیار ستایش کرد و آنان را سرآمد قریش دانست. زید بن علی گفت: آیا در مقابل بنی‌هاشم، به بنی‌امیه افتخار می‌کنی؟ بنی‌هاشم کسانی بودند که آوازه سخاوتمندان همه جا رسیده بود و دامنه جودشان از انسان‌ها گذشته، حتی حیوانات قلّه‌ها و صحراها و پرندگان را هم شامل می‌شد. حفر کننده زمزم، سیراب کننده حاجیان بودند. از نسل آنان سرور آدمیان و عالمیان، حضرت محمد (ص) پدید آمد که به معراج رفت و بهشت و جهنم را دید، شخصیتی که هر که از او پیروی کند بهشتی است و هر که عقب بماند اهل دوزخ است.

آیا بر علی بن ابی‌طالب فخر می‌فروشی؟ کسی که سرور اوصیا، برادر پیامبر و مدافع او و اولین مرد مسلمان و تک‌سوار عرصه‌های جهاد بود... آن قدر از فضایل اهل بیت گفت و گفت که هشام، از شرم، سرخ شد.^۳

وی در سروده‌های خویش نیز به این تبار نورانی و خاندان فضیلت مباحث می‌کرد و فضایل عترت را بازگو می‌نمود. از جمله در شعری که با مطلع «نحن سادات قریش...» شروع می‌شود، می‌گوید:

«ما سروران قریشیم و قوام حق در میان ماست.

«ما نورهایی هستیم که پیش از آفرینش دیگران بوده‌ایم.

«محمد مصطفی و مهدی موعود از ماست.

«خدا به وسیله ما بر مردم شناسانده شده و ما حق را برپا داشته‌ایم.

«هر که امروز از ما روی‌گردان شود، فردای قیامت آتش دوزخ را خواهد چشید.»^۴

از نگاه امامان

«زید بن علی»، زندگی پر فراز و نشیب و سرشار از مبارزه داشت. فضایل و خوبی‌های او چه در خاطره مردم آن روزگار چه در سخنان بزرگان، نقش بسته بود.

بیش‌تر بزرگان دین (از امامان گرفته تا عالمان شیعه و مورخان) ستایش‌های عظیمی از او کرده‌اند که شخصیت محبوب او را می‌رساند. به چند نمونه از دیدگاه ائمه (ع) درباره او بسنده می‌کنیم.

۱. امام رضا (ع) برادری داشت به نام «زید» که در بصره خروج کرد و خانه‌های بنی‌عباس را به آتش کشید و فتنه‌های دیگری آفرید. او را دست‌گیر کردند. مأمون، به پاس احترام حضرت رضا (ع) از او گذشت و گفت: اگر او خروج کرد، زید بن علی هم پیش از او خروج کرده بود. اگر به خاطر تو نبود، او را می‌کشتم، چون جنایت بزرگی مرتکب شده است.

۱. سیدمحسن الامینی، اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۱۰۷.

۲. نوری حاتم، زید بن علی، ص ۱۸.

۳. اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۱۱۳؛ به نقل از: مقتل خوارزمی، ص ۳۷.

۴. همان، ص ۱۱۲؛ به نقل از: امالی صدوق، مجلس ۱۸۱.

امام رضا(ع) که از دست برادرش دل خوشی نداشت، به مأمون گفت: «او را با زید بن علی مقایسه نکن! او از عالمان آل محمد بود، برای خدا غضب کرد و با دشمنان خدا مبارزه کرد تا به شهادت رسید. پدرم موسی بن جعفر(ع) شنیده بود که پدرش امام صادق(ع) می‌فرمود: خداوند، عمویم زید را رحمت کند، او مردم را به رضای آل محمد دعوت می‌کرد. اگر به قدرت می‌رسید، به عهدش وفا می‌کرد و حکومت را به آل پیامبر می‌سپرد...»^۵

۲. از پیامبر خدا(ص) روایت شده که به امام حسین(ع) فرمود: ای حسین! از نسل تو مردی به نام «زید» خواهد آمد که او و یارانش در روز قیامت از همه مردم خواهند گذشت و با چهره‌هایی درخشان، بدون حساب وارد بهشت خواهند شد.^۶

۳. در روایتی که امام صادق(ع) از شهادت زید بن علی پیش‌گویی می‌کند، از قول امام سجاد(ع) روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: از نسل من فرزندی خواهد بود که در کوفه به شهادت می‌رسد و در «کناسه» به دار آویخته می‌شود و در قیامت، وقتی سر از قبر برآورد، درهای آسمان به رویش گشوده می‌گردد.^۷

۴. روزی که خبر شهادت او را به امام صادق(ع) دادند، فرمود: شهادت عمویم را به حساب خدا می‌گذارم. عموی خوبی بود، هم برای دنیای ما هم آخرت‌مان. او به شهادت رسید، هم‌چون شهیدایی که در رکاب پیامبر خدا، امام حسن و امام حسین به شهادت رسیدند.^۸

۵. زید بن جارود گوید: نزد امام باقر(ع) بودم که زید بن علی وارد شد. امام چون به او نگریست، فرمود: او سروری از سروران دودمان خویش و خون‌خواه شهیدای آنان است. چه باشرافت است مادری که تو را به دنیا آورد، ای زید!^۹
این‌ها نشان می‌دهد که زید شهید، این انقلابی آزاده، نزد اهل بیت و امامان، موقعیت والا و احترام ویژه‌ای داشته است، هر چند نسبت به قیام او خوش‌بین نبودند و آن را بی‌نتیجه می‌دانستند.

قیام زید، کتاب سرخ شهادت

زید بن علی، روحیه‌ای حماسی و انقلابی داشت. برای فداکاری در راه دین و اعتلای مکتب، حاضر بود حتی جان خود را نیز فدا کند و چنین نیز کرد. سخنانی که از او نقل شده، روحیه شهادت‌طلبی او را در راه اسلام نشان می‌دهد.

روزی در جمع یاران خود نشست، به آنان اشاره کرد که آیا این ستاره ثریا را در آسمان می‌بینند؟ آیا ممکن است دست کسی به آن برسد؟ گفتند: نه، ای پسر پیامبر. آن‌گاه گفت: دوست دارم که دستم از آن آویزان باشد و از آن ستاره به روی زمین بیفتد و تکه تکه شوم، برای آن که امت محمد، در راه حق و هدایت، متحد و یک‌پارچه شوند.^{۱۰}

او از اوضاع نابسامان اجتماع و حکومت ظالمان رنج می‌برد. در عصر هشام بن عبدالملک می‌زیست و در اندیشه قیام بر ضد آنان بود. وقتی خروج کرد، سخنش چنین بود:

ای مردم! من شما را به کتاب خدا و احیای سنت‌ها و از بین بردن بدعت‌ها فرا می‌خوانم. اگر شنوای حرف و دعوت‌م باشید، به سود من و شماست و اگر روی‌گردان شوید، من عهده‌دار شما نیستم.^{۱۱}

همین روحیه سبب شد که در کوفه، بر ضد حاکمان جور قیام کند و در همین راه نیز به شهادت برسد. شخصیت بارز و ظلم‌ستیز او برای خلیفه اموی (هشام) تحمل‌ناپذیر بود. چند نوبت هم میان او و خلیفه، صحبت‌های تندی رد و بدل شده بود. خلیفه، از او کینه به دل داشت و درصدد آزار «زید» بود.

زید، عقیده داشت که مرگ با عزت، بهتر از زندگی با ذلت است و می‌گفت: هرگز قومی از شمشیرها و تیزی آن نهراسیدند مگر آن که دلیل شدند: «ما کره قوم حد السیوف الا ذلوا».^{۱۲} و مردم می‌دانستند که این سخن او، اشاره به هشام و ضرورت ایستادگی در برابر ستم‌های اوست.

امام باقر(ع) درباره او فرموده بود: برادرم زید، قیام خواهد کرد و کشته خواهد شد، در حالی که راه او و مرگش در راه حق است. وای بر آنان که او را یاری نکنند، وای بر آنان که با او بجنگند و او را بکشند. وقتی این سخن به گوش زید رسید به جابر جعفی که ناقل این کلام بود گفت: ای جابر! نمی‌توانم سکوت کنم. با کتاب خدا مخالفت می‌شود و مردم برای دادرسی نزد طاغوت می‌روند. من خودم شاهد بودم که هشام بن عبدالملک به پیامبر خدا توهین می‌کرد. به خدا، اگر من یابوری جز فرزندانم «یحیی» نداشته باشم بر ضد او قیام و جهاد می‌کنم تا کشته شوم.^{۱۳}
زید بن علی، سرانجام به کوفه رفت و با مردم آن‌جا سخن گفت. هزاران نفر از مردم کوفه، هم چنین گروه‌هایی از مردم مدائن، بصره، واسط، موصل، خراسان، ری، گرگان و... به نفع او بیعت کردند. مضمون بیعت، دعوت به کتاب خدا و سنت پیامبر و جهاد با ظالمان و دفاع از مستضعفان و یاری اهل بیت بود، مدتی در کوفه، بصره و شهرهای دیگر به سر برد و مردم را به قیام فراخواند.

۵. همان، ص ۱۰۹.

۶. همان.

۷. همان.

۸. همان.

۹. همان، ص ۱۱۰؛ به نقل از: امالی صدوق، مجلس دهم.

۱۰. هاشم معروف الحسینی، الانتفاضات الشیعیه، ص ۴۸۳، به نقل از: مقاتل الطالبیین.

۱۱. همان.

۱۲. اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۱۱۵.

۱۳. همان، ص ۱۱۶.

در آن منطقه، جو عمومی به سود او بود. هر چند کسانی را از سست‌عهدی و بی‌وفایی کوفیان برحذر می‌کردند، اما او مصمم بود برای امر به معروف و نهی از منکر خروج کند و آماده شهادت در این راه بود.

در سال ۱۲۲ هجری قیام خود را آغاز کرد. کوفه را در اختیار گرفت. از آن‌جا به «کناسه» که بیرون کوفه بود، رفت. با گروه‌های هوادار شامیان جنگید. درگیری‌های شدیدی در آن مناطق میان سپاه زید و هواداران خلیفه و امویان در گرفت.^{۱۴}

فرجام پرافتخار

زید بن علی و یاران جان بر کف او، با نیروهای حکومتی مدتی نبرد کردند. جنگ و گریزها میان دو طرف دایر بود. در بحبوحه نبرد، تیری بر سمت چپ پیشانی زید اصابت کرد و تا مغز سرش رسید. زید را از معرکه بیرون آوردند. طیب به بالین او آمد. از او خواستند که تیر را از پیشانی زید بیرون آورد. نظر پزشک این بود که اگر تیر از آن محل بیرون آید زید بن علی خواهد مرد.

«زید»، که جهاد کاملی بر ضد طغیان‌گران کرده بود و خود را در آستانه مرگی شکوه‌مند به نام «شهادت» می‌دید، گفت: مرگ برای من آسان‌تر از تحمل این وضع است. طیب، تیر را از سر او درآورد و پس از ساعتی روح پاک و بلند این قهرمان رشید و غیرت‌مند به ملکوت پرکشید.^{۱۵} زید بن علی، هنگام شهادت، ۴۲ سال داشت.

بدین گونه نهضتی که زید بر ضد حاکمان فاسق انجام داد، با شهادت این سردار، شکست خورد، یاران او شبانه متفرق شدند. پسرش «یحیی» مخفی شد و سرانجام به سمت ری و طبرستان رفت.

هواداران «زید شهید»، برای آن که پیکر پاک او به دست نیروهای حکومت نیفتد و مورد اهانت قرار نگیرد، جسد مطهر او را در وسط یک نهر آب در کوفه، به خاک سپردند و بر روی آن، آب را در نهر جاری ساختند تا کسی به مدفن او پی نبرد.

اما غلامی که در باغ کار می‌کرد، متوجه شد و به والی شهر خبر رساند. مأموران، پیکر مطهر آن شهید را از خاک درآوردند و نزد والی بردند. والی، سر مطهر او را از پیکر جدا کرد و به شام، نزد خلیفه اموی فرستاد و جسدش را بر دار کشید. مدت‌ها پیکر این رادمرد غیور بر فراز دار بود.^{۱۶}

وقتی خبر شهادت زید بن علی به امام صادق(ع) رسید، آن حضرت در سوگ زید، بسیار متأثر و اندوهگین شد. مقدار هزار دینار از دارایی خود را میان خانواده کسانی که در رکاب زید به شهادت رسیده بودند تقسیم کرد^{۱۷} و بدین‌گونه حمایت خود را از حرکت خدایی و جهاد مردانه آن ایثارگران نشان داد.

امروز، قبر او در کوفه و کنار «مسجد کوفه» و قبر حضرت مسلم بن عقیل قرار دارد و حرمش زیارتگاه زائران عتبات است و به او درود و رحمت می‌فرستند.

سخنان جاوید

پایان بخش این زندگی‌نامه کوتاه را سخنانی از آن الگوی رشادت و مقاومت قرار می‌دهیم؛ مردی که در کنار ایمانی عمیق، شجاعتی بی‌نظیر داشت و در عین زهد و پارسایی، خطیبی سخنور بود و هم روح حماسی داشت و هم طبع شعر. اینک کلماتی از زید بن علی(ع):^{۱۸}

۱. مروت و مردانگی، آن است که با پایین‌تر از خودت به انصاف رفتار کنی، از بالاتر از خودت حرف شنوی داشته باشی و هر خوبی و بدی که به تو می‌رسد، راضی باشی.

۲. به پسرش یحیی گفت: فرزندم! بهترین پدران کسانی‌اند که محبت، آنان را به زیاده‌روی در حق فرزندان نکشاند و بهترین فرزندان آنان‌اند که کوتاهی، آن‌ها را عاقب پدر و مادر نکند.

۳. درباره امام علی(ع) گفته است: خداوند، آن حضرت را به عنوان نشانه و پرچم قرار داده تا در هنگام تفرقه، «حزب الله» به سبب او شناخته شود.

۴. از نعمت‌های خدا در راه معصیت خدا استفاده نکنید.

۵. شما را به تقوا سفارش می‌کنم. هر که به تقوای الهی وصیت کند، چیزی را فروگذار نکرده و در ابلاغ، کوتاهی نکرده است.

آن‌چه گذشت، گوشه‌هایی از سیمای بافضیلت قهرمان میدان علم و عمل و جهاد و شهادت، زید بن علی بن الحسین(ع) بود.

باشد که راه و روش و حیات و ممات او، سرمشق جوانان باشد.

* * *

۱۴. همان، ص ۱۲۰.

۱۵. مقاتل الطالبیین، ص ۹۶، شیخ مفید، شهادت او را روز دوشنبه، دوم صفر سال ۱۲۰ هجری می‌داند.

۱۶. اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۱۲۱؛ نوری حاتم، زید بن علی، ص ۱۲۷.

۱۷. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۱۷۳.

۱۸. این سخنان از اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۱۲۴ نقل شده است.